

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران بر طبق قواعد فقه سیاسی

نگارش

محمد رضا سهرابی

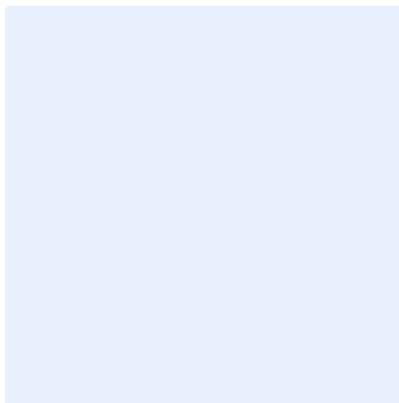
استاد راهنما

منصور میراحمدی

استاد مشاور

حیدر علی مسعودی

شهریور ۱۴۰۱



برگ تایید هیئت داوران

تاریخ = ۱۴۰۱/۰۶/۲۹
شماره = ۳۰۱ / ۱۷۵۰

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

شماره:

۳۰۰/۰۰۱۰۸۱۷۶



دانشگاه شهید بهشتی

تهران ۱۹۸۳۹۶۴۱۱ اولین

صور تجلسه دفاع پلین: نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته آقای محمدرضا سهرابی

شوریه

به شماره دانشجویی: ۹۹۴۱۷۱۲۷ رشته: علوم سیاسی

تحت عنوان: جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران بر طبق قواعد فقه سیاسی

که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ ساعت ۱۰:۰۰ در محل با حضور هیات محترم داوران در دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید به شرح زیر است:

(با درجه) مردود مردود

مردود (کمتر از ۱۴)

متوسط (۱۴-۱۵.۹۹)

خوب (۱۶-۱۷.۹۹)

خیلی خوب (۱۸-۱۸.۹۹) ۱۸۱۵۴

عالی (۱۹-۲۰)

عضو هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
راهنما	منصور میراحمدی چناروئیه	استاد	
مشاور	حیدرعلی مسعودی	استادیار	
داور داخلی	روح اله طالبی آرانی	استادیار	
داور داخلی	رضا خراسانی	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	نجمه کیخا	استادیار	

«تذکر: این صور تجلسه صرفاً مبین نتیجه جلسه دفاع بوده و فاقد ارزش گواهی فراغت از تحصیل است. بنابراین ارائه و یا پذیرش آن به عنوان گواهی

فراغت از تحصیل هیچگونه وجهات قانونی ندارد.»

صفحه تقدیم

تقدیم به وطن

برای مانایی

برای دانایی

برای توسعه

صفحه سپاسگزاری

وظیفه خود می‌دانم از همکاری گروه محترم علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در طول تدوین این رساله و همچنین از زحمات استاد راهنمای گرامی، جناب آقای دکتر میراحمدی و استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر مسعودی که با نظرات راهگشا و مشوقانه، مرا مورد لطف و محبت بی‌دریغ خود قرار داده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزاری کنم و برای ایشان آرزوی توفیق و سلامتی از درگاه حق تعالی دارم.

چکیده

هدف از این پژوهش، تبیین جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقه سیاسی می‌باشد. با مقایسه این قواعد، که یک جایگاه آرمانی را برای نظام اسلامی مشخص می‌کنند، با جایگاه بین‌المللی کنونی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به آسیب‌شناسی پرداخت. فقه روابط بین‌الملل دانشی فقهی در عرصه روابط بین‌الملل است که با تکیه بر مبانی فقهی و با به کارگیری الگوی روشی اجتهاد، به تنظیم قواعد ناظر بر روابط بین‌الملل نظام اسلامی می‌پردازد. از آنجایی که مبانی رفتاری ج.ا.ا. بر مبنای شرع مقدس اسلام می‌باشد، بنابراین برای یافتن پاسخ این سوال که جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا. طبق قواعد فقه سیاسی چگونه قابل تعریف و تبیین است، به دانش فقه روابط بین‌الملل مراجعه شده است. جایگاهی که قواعد فقهی برای ج.ا.ا. تعریف می‌کنند، مواردی از قبیل مراودات فعال در عرصه‌های بین‌المللی، حفظ استقلال، کسب قدرت، همکاری و همگرایی جهانی، حمایت از محرومان، حمایت از حقوق بشر و الگوسازی اخلاق و ارزش‌های اسلامی را مدنظر قرار می‌دهند و در نهایت یک جایگاه مستقل، نافذ و تاثیرگذار، متعهد، مورد اعتماد و دارای توان بازدارندگی را در نظام بین‌الملل برای ج.ا.ا. در نظر می‌گیرند. با عطف توجه به میزان نفوذ و تاثیر ج.ا.ا. در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه و نقش تعیین‌کننده آن در تحولات این مناطق، یافته‌ها حاکی از آن است که به طور کلی ج.ا.ا. در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، از جایگاه بازیگری پویا، فعال و متعهد و مورد اعتماد در نظام بین‌الملل برخوردار نگردیده است. به همین سبب، با توجه به جایگاه کنونی ج.ا.ا. در منطقه و غرب آسیا، و با توجه به توان و قدرت بالقوه ایران، می‌توان انتظار داشت مسیرها و سیاست‌های بهینه‌تر در راستای ارتقای جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا. تدوین و در دستور کار قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: فقه سیاسی، فقه روابط بین‌الملل، جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا.، سیاست خارجی ج.ا.ا.

فهرست نوشتار

۱۷	۱. کلیات
۱۷	۱-۱. طرح مسئله پژوهش
۲۰	۱-۲. اهداف پژوهش
۲۰	۱-۳. پیشینه پژوهش
۲۳	۱-۴. سوال‌ها و فرضیه‌ها
۲۳	۱-۴-۱. سوال اصلی
۲۳	۱-۴-۲. سوال‌های فرعی
۲۴	۱-۴-۳. فرضیه
۲۴	۱-۴-۴. مفروض‌ها
۲۴	۱-۵. چارچوب نظری
۲۴	۱-۶. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش
۲۷	۲. فقه و روابط بین‌الملل
۲۷	۲-۱. فقه و سیاست
۳۲	۲-۲. روابط بین‌الملل و اسلام
۴۴	۲-۳. فقه و روابط بین‌الملل
۴۸	۲-۴. جمع‌بندی
۵۱	۳. جایگاه بین‌المللی مطلوب جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقه سیاسی
۵۱	۳-۱. دولت اسلامی و حاکمیت اسلام
۵۴	۳-۲. دارها در اسلام
۵۷	۳-۳. قراردادهای بین‌المللی در اسلام
۵۹	۳-۴. شناسایی دولت-ملت‌ها در اسلام
۶۰	۳-۵. جایگاه بین‌المللی مطلوب جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقه سیاسی
	۳-۵-۱. جایگاه بین‌المللی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست و امنیت بین‌الملل
۶۱

- ۲-۵-۳. جایگاه بین‌المللی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگ و اجتماع بین‌الملل ۷۷
- ۳-۵-۳. جایگاه بین‌المللی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل ۸۸
- ۳-۶. جمع بندی ۹۸
۴. آسیب‌شناسی جایگاه بین‌المللی کنونی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقه سیاسی ۱۰۵
- ۴-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۸
- ۴-۲. مسائل، مشکلات و گنش‌ها ۱۱۲
- ۴-۲-۱. سطح ساختاری نظام بین‌الملل ۱۱۲
- ۴-۲-۲. سطح ساختاری منطقه‌ای ۱۱۵
- ۴-۳. دستاوردها و پیامدها ۱۱۶
- ۴-۴. رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۱۲۲
- ۴-۴-۱. رویکرد نوسازی اقتصادی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ ۱۲۲
- ۴-۴-۲. رویکرد اصلاح‌طلبی در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ ۱۲۳
- ۴-۴-۳. رویکرد اصول‌گرایی در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ ۱۲۶
- ۴-۴-۴. رویکرد اعتدالی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ ۱۲۸
- ۴-۵. روابط با همسایگان شرقی ۱۳۱
- ۴-۶. روابط با چین ۱۳۳
- ۴-۷. روابط با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز ۱۳۶
- ۴-۸. محور مقاومت ۱۳۹
- ۴-۹. بیداری اسلامی و بیداری شیعی ۱۴۵
- ۴-۱۰. بررسی آماری ۱۴۷
- ۴-۱۱. آسیب‌شناسی جایگاه بین‌المللی کنونی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد فقه سیاسی ۱۵۰
- ۴-۱۱-۱. ارزیابی جایگاه سیاسی-امنیتی: ۱۵۰
- ۴-۱۱-۲. ارزیابی جایگاه فرهنگی-اجتماعی ۱۵۵
- ۴-۱۱-۳. ارزیابی جایگاه اقتصادی ۱۵۹
- ۴-۱۲. جمع بندی ۱۶۲
۵. نتیجه‌گیری ۱۷۱

۱-۵. راهکارها و پیشنهادات.....	۱۷۴
۶. فهرست منابع.....	۱۹۱

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله پژوهش

در پژوهش حاضر استنباط خواهیم کرد که بر اساس اصول و مبانی فقه سیاسی و فهم فقهی فقیهان نوگرا، چه جایگاهی در نظام بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن و قرن بیست و یکم مربوط به جمهوری اسلامی ایران است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به علاوه‌ی ایدئولوژی و گفتمان‌های مربوط به آن، در ذات خود تماماً دینی هستند و بنابراین مهم است که به اسلام، فقه سیاسی و خصوصاً فقه سیاسی شیعه رجوع کنیم. این دلیل اهمیت مبانی فقه سیاسی در بررسی موضوع رساله است. پژوهش حاضر علاقه‌مند است در ذیل اسلام و فقه سیاسی شیعه، به منظور انطباق آن با جمهوری اسلامی ایران، روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران را با نظام بین‌الملل بررسی کند.

اسلام به مثابه یک دین، دارای مکتب و نگاهی مشخص به روابط بین‌الملل است؛ یعنی ملاک‌هایی را مطرح می‌کند که از ثبات برخوردار هستند و زیربنای نظام‌های دگرگون‌پذیر را تشکیل می‌دهند. روابط بین‌الملل اسلامی نیز که در سیاست‌گذاری دولت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بخشی از فقه سیاسی به شمار می‌رود. لذا در این پژوهش، ابتدا با نسبت‌سنجی میان فقه و روابط بین‌الملل، معیارهای موجود را از آن استخراج ساخته، (معیارها مثل عدالت، نفی سلطه، مصلحت، جهاد و...) و به طبقه‌بندی آن در سه حوزه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خواهیم پرداخت. این تقسیم‌بندی به ما کمک خواهد کرد که در نظام بین‌الملل حاضر، که به عنوان یک امر واقع به آن می‌نگریم، جایگاه مطلوب دولت اسلامی را به تفکیک بررسی و بیان کنیم. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر دولت دیگر، نمی‌تواند بی‌توجه

به محیط بین‌المللی (منطقه‌ای- جهانی) و نظام حاکم بر آن به حیات خود تداوم بخشید و آرمان‌هایش را دنبال کند. از این رو، لازم دانستیم که از منظر فقه سیاسی و شریعت اسلام به تبیین جایگاه بین‌المللی مطلوب نظام اسلامی حاکم بر ایران پردازیم. با تطبیق معیارهای دسته‌بندی شده در هر حوزه با شرایط کنونی و آنچه تا کنون عمل شده، جایگاه فعلی جمهوری اسلامی ایران را در نظام بین‌الملل تشریح خواهیم کرد. بررسی جایگاه فعلی به ما کمک می‌کند که منطبق با معیارهای دسته‌بندی شده، به آسیب‌شناسی پردازیم.

در عصر حاضر صرف نظر از توان اقتصادی و توان نظامی، آنچه که جایگاه یک دولت- ملت را در نظام بین‌الملل تعیین می‌کند، میزان مشارکت نظام سیاسی در امور بین‌المللی و همچنین ارتباطها و تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که با نظام بین‌الملل و نظام جهانی برقرار می‌سازد. البته نوع نگاه ملت و رهبران نظام سیاسی به نظام بین‌الملل هم می‌تواند در میزان و نحوه‌ی تعاملات تاثیرگذار باشد. این رساله به دنبال بررسی تعاملات جهانی و روابط بین‌الملل دولت اسلامی و ملت مسلمان منطبق با دین اسلام و فقه سیاسی می‌باشد. با تطبیق آنچه از قواعد فقهی به عنوان شکل مطلوب این روابط و تعاملات بین‌المللی بدست آورده‌ایم، جایگاه مطلوب جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل را بیان خواهیم کرد. سپس به دنبال این خواهیم بود که آیا اکنون پس از گذشت تقریباً نیم قرن از عمر جمهوری اسلامی ایران، به ایده آل خود دست یافته است یا اینکه می‌بایست جایگاه والاتری نسبت به جایگاه کنونی‌اش در نظام جهانی داشته باشد. فرض ما این است که جمهوری اسلامی ایران با جایگاه مطلوب خود از منظر فقه سیاسی فاصله زیادی دارد. این مهم را ابتدا با بیان جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و مقایسه‌ی آن با آنچه از فقه سیاسی به عنوان جایگاه مطلوب استنباط کرده‌ایم، بدست خواهیم آورد. الگوی موردنظر در پژوهش، شریعت اسلام و رویکرد آن برای بررسی مسائل کنونی، فقه سیاسی است. نتیجه‌ای که از آن حاصل خواهد شد، تجزیه و تحلیل روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بر طبق معیارهای فقه سیاسی است.

نشان خواهیم داد اگر جمهوری اسلامی ایران به دنبال دستیابی به تمدن نوین اسلامی است، می‌بایست به عنوان حامی محرومان و مسلمانان جهان و قدرت برتر جهان اسلام و منطقه، دست

از انزوای طلبی برداشته، به همکاری‌های بین‌المللی روی بیاورد و از هم‌اکنون به گونه‌ای رفتار کند که جهانیان و خصوصاً کشورهای مسلمان، الگوی خود را نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. همچنین نشان خواهیم داد که نه تنها اسلام و فقه سیاسی با روابط (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) بین‌المللی و ایفای نقش در نظام بین‌الملل تضادی ندارند، بلکه برای برخی اهداف مانند گسترش حوزه نفوذ مسلمانان در سراسر جهان، تبلیغ گسترده و جهانی مکتب اسلام و رفاه دنیوی مسلمانان، آن‌ها را ضروری هم می‌دانند. با توجه به شرایط فعلی سیاست داخلی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و نفوذ نسبی آن در منطقه و آسیای غرب و جهان اسلام، به نظر می‌رسد وقت آن رسیده باشد نسبت به ایفای نقش در نظام بین‌الملل از جایگاه بازیگر فعال و متعهد و البته تاثیرگذار در مناسبات بین‌المللی اهتمام ویژه‌ای شود.

در بررسی کلان، سه سطح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مد نظر داریم و مهم است که در هر سطح به گونه‌ای رفتار و تعامل کنیم که الگوی سایرین باشیم. در سطح سیاسی، به بررسی روابط خارجی و دیپلماتیک با مجموعه‌ی نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم به عنوان کشوری مسلمان و دارای قدرت منطقه‌ای پرداخته خواهد شد. در سطح اقتصادی بررسی خواهیم کرد که ایجاد رفاه برای مستضعفان و مسلمانان در سراسر دنیا و تکیه‌ی آن‌ها بر نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان پشتیبان، مستلزم تقویت نهادهای مالی داخلی و روابط اقتصادی خارجی می‌باشد. در سطح فرهنگی هم به روابط فرهنگی، مذهبی و آموزشی در سطح بین‌الملل می‌پردازیم. پژوهش حاضر می‌خواهد نشان دهد که انزوای کنونی و شرایط موجود داخلی و خارجی، می‌تواند تغییر و تعدیل یابد؛ چنانکه حکومت اسلامی و مملکت اسلامی (جمهوری اسلامی ایران) را به گونه‌ای به جهانیان معرفی نماید که از آن به عنوان الگوی توسعه مستقل و حامی واقعی محرومان و مسلمانان در سراسر جهان سخن گویند. همچنین از منظر اسلام و فقه سیاسی، تنها تقابل راه چاره نیست. جهان بیرون نیز آنقدر ظرفیت دارد که بتوانیم با تعاملات و رفتارهای برنامه‌ریزی شده، هم به جایگاه برتر در نظام بین‌الملل دست یابیم، هم به سمت و سوی تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم و هم الگویی برای سایرین باشیم. مهم‌تر از همه اینکه چهره‌ی واقعی از اسلام را به دنیا معرفی کنیم؛ اسلامی که صلح و امنیت و رفاه ابنا‌ی بشر را در

اولویت قرار می‌دهد. در این مسیر از فهم فقهی فقهای نوگرا بهره خواهیم برد. آنچه به عنوان نتیجه‌گیری در پایان خواهد آمد، خلاصه‌ای از مقایسه جایگاه مطلوب و جایگاه فعلی، تعاملات مطلوب و تعاملات موجود، و در نهایت ارائه راهکارهای ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل و ایفای نقش موثرتر در نظام بین‌الملل خواهد بود.

۲-۱. اهداف پژوهش

در پژوهش حاضر، اهداف زیر را دنبال خواهیم کرد:

- الف) تبیین جایگاه مطلوب جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل بر طبق معیارهای فقه سیاسی
- ب) تبیین وضعیت و جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل بر طبق معیارهای فقه سیاسی
- ج) مقایسه وضعیت کنونی با جایگاه مطلوب و آسیب‌شناسی
- د) بیان ضرورت الگوسازی در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای مسلمان
- ه) بیان ضرورت تعدیل نگاه کلان به نظام بین‌الملل و جامعه جهانی

۳-۱. پیشینه پژوهش

در خصوص جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، پژوهشی یافت نشد. اما پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و مقاله صورت گرفته که می‌توان جایگاه کنونی را از آن‌ها استنباط کرد. همچنین برخی موسسات با استفاده از برخی شاخص‌ها، جایگاه کشورها و رتبه‌بندی آن‌ها را در مسائل مختلف مشخص کرده‌اند. به علاوه‌ی اینکه در عین و عمل هم این موضوع قابل رویت است. عمده‌ی پژوهش‌های صورت گرفته و همچنین کتب چاپ شده در خصوص موضوع پژوهش حاضر، ناظر بر روابط بین‌الملل و نسبت آن با اسلام و فقه سیاسی است. برخی به قواعد فقهی روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. برخی به دنبال فهم فقهی نوگرایانه و نسبت‌سنجی آن با سیاست معاصر بوده‌اند. برخی به موقعیت استراتژیک کشور، موقعیت

استراتژیک شیعیان و فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در کشور و یا در جهان اسلام پرداخته‌اند. برخی فرهنگ اسلامی و برخی فرهنگ جهانی‌شدن را بررسی کرده‌اند و یا آن دو را در کنار هم و یا در تقابل با هم در نظر گرفته و بررسی کرده‌اند. در نتیجه، این پژوهش با عنوان ذکر شده، در نظر دارد به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل منطبق با معیارهای فقه سیاسی بپردازد. موضوعی که تا کنون تبیین و تحلیل نشده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌ها اشاره شده است.

روح الله شریعتی در کتاب "قواعد فقه سیاسی" قواعد و اصول موجود در فقه سیاسی شیعه را تقسیم‌بندی نموده و آن‌ها را در پنج گروه با عنوان اصول و قواعد عام، اصول و قواعد در عرصه سیاست، در عرصه اجتماع، در عرصه اقتصاد و در عرصه امنیتی-نظامی قرار داده است. پژوهش حاضر نیز این تقسیم‌بندی را لحاظ نموده است. عمید زنجانی در کتاب "فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام" به بررسی انواع قراردادهای بین‌المللی نظام اسلامی منطبق با قواعد فقه سیاسی پرداخته است. همچنین اصول و قواعد فقهی حاکم بر سیاست بین‌الملل و دیپلماسی را برشمرده و الگوی دیپلماسی اسلامی را تشریح نموده است. ارسال قربانی شیخ نشین در کتاب "نظام بین‌الملل موجود و نظام بین‌الملل مطلوب" به تبیین ماهیت نظام بین‌الملل موجود، آسیب‌شناسی ساختار، کارکرد و فرآیند نظام بین‌الملل موجود و امکان‌سنجی تغییر و تحول در آن، تبیین نظام‌های بین‌الملل بدیل، بحث و بررسی ماهیت و مختصات نظام‌های بین‌الملل مطلوب، نقد و بررسی نظریه‌های حفظ وضع موجود و در نهایت بحث و بررسی رهیافت‌های نظری انتقادی و تجدیدنظر طلب پرداخته است. همچنین در ذیل نظام بین‌الملل مطلوب، نظام بین‌الملل اسلامی و نظام بین‌الملل مطلوب اسلام تشریح و بررسی شده است. آنتونی اچ جانز و نلی لاهود در کتاب "اسلام در سیاست بین‌الملل" که توسط رضا سیمبر ترجمه شده است، در مورد موضوعات مربوط به ظهور اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی می‌پردازد و در پی آن است تا به فهم نقش اسلام به عنوان یک عامل سیاسی در صحنه بین‌الملل امروز کمک نماید. رضا سیمبر و ارسال قربانی شیخ نشین در کتاب "اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل" در بخش اول به جایگاه بحث فکری دین در رهیافت‌های روابط بین‌الملل پرداخته

شده است. و بخش دوم کتاب نیز ناظر بر نقش آفرینی دین در نظام بین‌الملل معاصر طراحی شده است. در این کتاب به جایگاه کمرنگ مقولات و موضوعات دینی در رهیافت‌های فکری رشته روابط بین‌الملل و عوامل احیای آن پرداخته شده است. همچنین ابعاد فرامرزی دین و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب تصریح شده است که اسلام به عنوان یک نظام دینی اجتماعی و فرهنگی، تلاش کرده است تا خود را از طریق ایجاد یک جامعه دینی فراملی به یک دین جهانی تبدیل کند. در نهایت نتیجه گرفته شده که جهان اسلام از پارامترهای قدرتی مناسبی برخوردار است که در صورت تامین همگرایی‌های گوناگون در عرصه‌های منطقه‌ای، به عنوان بلوک قدرت مطرح می‌شود. حسین پوراحمدی در کتاب "اسلام و روابط بین‌الملل" که حاصل یک همکاری علمی پژوهشی است، با تکیه بر منابع اسلامی تلاش دارد نگاه اسلام به روابط بین‌الملل را تبیین نماید. در این کتاب تلاش شده است که ابعاد نظری یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلام در نگاه به روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. همچنین موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی-امنیتی روابط بین‌الملل از نگاه اسلام مورد مطالعه واقع شده است. فصول این کتاب چهار هدف عمده را دنبال می‌کنند: الف) نقد نظری، موضوعی و تحلیلی روابط بین‌الملل از منظر اسلام؛ ب) تبیین نگاه نظری، موضوعی و تحلیلی اسلام در روابط بین‌الملل؛ ج) شناخت علمی نسبت به نقش و جایگاه اسلام و کشورهای اسلامی در روابط بین‌الملل؛ د) راهکارهای رفع برخی معضلات ناظر بر تعامل اسلام و کشورهای اسلامی با نظام جهانی. فرضیه این کتاب این است که اسلام ضمن نقد و عدم پذیرش بسیاری از مبانی نظری و ساختارهای موجود سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی روابط بین‌الملل و ارائه الگوی متمایز اسلامی در این راستا، گسترش همکاری‌های جمعی کشورهای اسلامی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل در جهت پیشبرد منافع و اهداف بشریت و بویژه توسعه عدالت بر اساس ضرورت درک متقابل از باورها و منافع یکدیگر را دنبال می‌کند. سید شمس‌الدین صادقی در کتاب "ائتلاف سازی در نظام بین‌الملل" ادعا می‌کند که مبانی نظری و رویکردهای عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تضاد بنیادین با ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد است. ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل، رفتار سیاسی